

تأملی بر آرای برخی از اندیشمندان در عرصه جامعه اطلاعاتی

• دکتر فریبرز درودی^۱

دکترای علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی سازمان اسناد و کتابخانه ملی

چکیده

اندیشمندان و نظریه‌پردازان جامعه اطلاعاتی از دیدگاه‌های متفاوتی به تبیین جامعه اطلاعاتی پرداخته‌اند. فرانک وبستر در تبیین جامعه اطلاعاتی به شیوه تحلیلی پنج تعریف ارائه می‌دهد. این تعاریف عبارتند از: فناورانه، اقتصادی، شغلی، فضایی (مکانی) و فرهنگی. مانوئل کاستلز درباره اقتصاد جهانی به شبکه‌ای شدن اقتصاد اشاره می‌کند و معتقد است که اقتصاد شبکه‌ای سبب دگرگونی در وضع کار و اشتغال شده است. اندیشه‌های کاستلز با تکیه بر ایده اقتصادی شکل می‌گیرد. دانیل بل جامعه‌شناس امریکایی، به جامعه پسا صنعتی و نقش محوری اطلاعات/دانش در پیدایش این نظام اجتماعی تأکید می‌ورزد. هربرت شیلر اقتصاددانی است که اندیشه‌های او بیشتر بر اقتصاد سیاسی تمرکز پیدا کرده و تحلیل‌های وی ریشه‌های مارکسیستی دارد. آنتونی گیدنز مهم‌ترین نظریه‌پرداز علوم اجتماعی در بریتانیای پس از جنگ است. هدف گیدنز، تشکیل طرحی دوباره در نظریه اجتماعی و بررسی دوباره درک و فهم ما از تحولات و مسیر مدرنیته است.

کلیدواژه‌ها: جامعه اطلاعاتی، فرانک وبستر، مانوئل کاستلز، دانیل بل، هربرت شیلر، آنتونی گیدنز.

مقدمه

خاص آن با پیوند میان نظریه‌های مطرح شده به عرصه تبادل اندیشه‌ها و تضارب آرا تبدیل شده است. متفکران بزرگی در این زمینه با اظهار آرا و دیدگاه‌های خویش به بالیدن حیات جامعه اطلاعاتی کمک کرده‌اند. این نظریات در پی افکندن نظم جدید در افق زندگی نوین، و ایجاد پایه‌های اساسی جامعه بر مبنای محور اطلاعات و اثرات آن بر زندگی معاصر آدمی، تأثیرگذار بوده است. مطالعه این نظریات در درک و برداشت صحیح از مشخصات جامعه اطلاعاتی و پیامدهای آن نقشی بی‌بدیل دارد. سنجش آرا و اندیشه‌های متفکران نامدار درباره جامعه اطلاعاتی به فریه شدن مباحث نظری و شناخت بهتر این زمینه موضوعی منجر خواهد شد.

اساساً جامعه اطلاعاتی^۲ با جنبه‌های متفاوتی از حیات جمعی آدمی ارتباط دارد. بخشی از این ویژگی‌ها در قالب‌های خاصی از زندگی ما منشأ اثر بوده است. پیشرفت و توسعه علم و فناوری، هر دو، زمینه مساعدی برای گسترش جامعه اطلاعاتی به شمار می‌آید. در این میان نقش اندیشمندان برجسته‌ای که به تبیین پایه‌های نظری این بنای استوار پرداخته‌اند، قابل توجه است. این نکته شایان ذکر است که بنیان‌های نظری جامعه اطلاعاتی بر مبنای پاره‌ای از اندیشه‌های متفکران معاصر به‌ثمر نشسته است. این نظریه‌ها در تبیین موقعیت و جایگاه جامعه اطلاعاتی نقش بسزایی ایفا کرده، و ابعاد



صاحب‌نظران در عرصهٔ جامعهٔ اطلاعاتی اطلاعاتی با ژرف‌اندیشی در لایه‌های متعدد آن به تحلیل وضع و موقعیت آن اهتمام ورزیده‌اند

رویکردهای متفکران به جامعهٔ اطلاعاتی

دربارهٔ جامعهٔ اطلاعاتی شایستهٔ دقت و توجه بیشتری است؛ زیرا جامعهٔ اطلاعاتی همچنان به‌عنوان پدیده‌ای نوظهور در اوان دوران رشد خود به‌سر می‌برد و به‌زمان بیشتری برای بروز نتایج و عوارض حاصل از آن نیاز است. اگر اینگونه تقسیم‌بندی را منطبق بر واقعیت جامعهٔ اطلاعاتی بدانیم، در آن صورت هریک از دیدگاه‌های مطرح‌شده قابل تحلیل و بررسی عمیق‌تری است. باید توجه داشت که این رویکردها بخشی از اثرات جامعهٔ اطلاعاتی است که می‌تواند موردتوجه قرارگیرد. براساس این شیوهٔ نگرش به جامعهٔ اطلاعاتی، دو گونهٔ دیدگاه متفاوت اجتماعی خواهیم داشت.

دیدگاه جامعهٔ نظارتی، دیدگاهی انتقادی است. نظریه‌پردازان ارتباطی بر این باورند که پیوستن شهروندان به شبکهٔ جهانی اطلاعات و ارتباطات سبب ذخیره‌شدن اطلاعات شهروندان نزد دولت و سازمان‌های صنعتی و خدماتی شده و زمینهٔ سوءاستفاده از این اطلاعات را برای آنها فراهم می‌کند (مسعودی، ۲۰۰۵). یکی از اندیشمندان که با نگاه انتقادی به جامعهٔ اطلاعاتی می‌نگرد، یورگن هابرماس است. وی با تأکید بر نقش منفی رسانه‌های ارتباطی و کنترل بیشتر بر فضای اجتماعی، به‌نوعی به انتقاد از این محیط نظارتی می‌پردازد.

علاوه‌بر یورگن هابرماس، فرانک وبستر^۲ و آنتونی گیدنز^۳ نیز در دستهٔ منتقدان قراردارند. از دیدگاه متفکران بدبین یا منتقد به جامعهٔ نظارتی، اندیشهٔ کنترل و نظارت بر شهروندان در اجرای فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی سبب پدیدآوردن نوعی قدرت پنهان

صاحب‌نظران در عرصهٔ جامعهٔ اطلاعاتی با ژرف‌اندیشی در لایه‌های متعدد آن به تحلیل وضع و موقعیت آن اهتمام ورزیده‌اند. هریک از متفکران نامور این حوزهٔ مطالعاتی با توجه به نوع نگرش و دیدگاهی که نسبت به جامعهٔ اطلاعاتی داشته‌اند، با دیدگاه‌های متفاوتی به این پدیده نگریده‌اند. تنوع اندیشه در این حوزه سبب بروز زمینهٔ تعامل میان آرای گوناگون را فراهم ساخته است. اگرچه اندیشمندان جامعهٔ اطلاعاتی توجه ویژه‌ای به زمینه‌های ظهور این جامعه داشته‌اند، هریک به اثرات و نتایج خاص آن نیز نظر داشته‌اند. چنانچه برخی با خوشبینی به آن نگریده و پاره‌ای نیز نظری مخالف با نظر دستهٔ اول ابراز کرده‌اند.

در مجموع با بررسی دیدگاه‌های موجود در زمینهٔ جامعهٔ اطلاعاتی می‌توان دیدگاه‌های مطرح‌شده را از دو جنبهٔ مثبت و منفی دسته‌بندی کرد. اندیشمندی که به جنبه‌های مثبت جوامع در عصر اطلاعات و ارتباطات می‌پردازند، از دموکراسی و آزادی‌های ارتباطی و اطلاعاتی در جامعهٔ اطلاعاتی سخن می‌گویند. اما اندیشمندی که به تحولات جاری در جامعهٔ اطلاعاتی بدبینانه می‌نگرند، آن سوی این تحولات را پیدایش نوعی حکومت ناظر بر اعمال و رفتار شهروندان می‌دانند که عملاً آنها را به جامعه‌ای استبدادی از نوع الکترونیکی‌اش پرتاب می‌کند (مسعودی، ۲۰۰۵). ممکن است که بعضی از متفکران تا حدی در بیان اثرات این نوع از جامعه تندروی کرده باشند؛ همچنان که امکان دارد برخی نیز با تساهل افزون‌تری به استقبال آن رفته باشند. اینگونه قضاوت‌ها

نظریه پردازان ارتباطی بر این باورند که پیوستن شهروندان به شبکه جهانی اطلاعات و ارتباطات سبب ذخیره شدن اطلاعات شهروندان نزد دولت و سازمان‌های صنعتی و خدماتی شده و زمینه سوءاستفاده از این اطلاعات را برای آنها فراهم می‌کند

شده که هرگونه تلاشی را مورد مذاقه قرارداد و احساس عدم امنیت را القا می‌کند. دسترسی به اطلاعات خصوصی افراد و امکان سرقت این اطلاعات سبب ایجاد ناامنی اجتماعی می‌شود، و به تدریج زمینه بروز نارضایتی شهروندان را فراهم می‌سازد.

ولی در مقابل دیدگاه بدبینان به جامعه اطلاعاتی، اندیشمندی که با نگاه خوش‌بینانه به آن می‌نگرند، معتقدند که اطلاعات متراکم به تشکیل قدرت‌های تمامت‌خواه منجر نمی‌شود، بلکه به ایجاد و توسعه آزادی‌های مدنی در جامعه یاری می‌رساند. این نتایج در سایه فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی ظهور خواهد کرد، و نظارت بیشتر بر جریان اطلاعات به توسعه افزون‌تر در جنبه‌های متعدد حیات جمعی منجر خواهد شد.

اگرچه رشد ناموزون تعداد کاربران اینترنتی در جوامع پیشرفته و جوامع در حال رشد نوعی شکاف دیجیتالی^۵ میان صاحبان وسایل الکترونیکی دیجیتالی و فاقد آن در جهان ایجاد کرده است و پرکردن این فاصله و شکاف نیاز به امکانات لازم و فرصت زمانی مناسب دارد، با این همه نظریه‌پردازان خوش‌بین، افزایش تعداد کاربران اینترنت را در سراسر جهان به فال نیک گرفته و آن را تدارکی برای دموکراسی الکترونی^۶، تله‌دموکراسی^۷ و سایر دموکراسی^۸ تلقی می‌کنند (مسعودی، ۲۰۰۵). رابرت رایت^۹ را می‌توان یکی از کسانی دانست که کوشیده نگرانی‌های نظارتی جامعه اطلاعاتی را رفع کند. نگاه خوش‌بینانه بر این مبنا استوار است که با بهره‌مندی از امکانات فنی نوین چون اینترنت می‌توان بر مشکلات غلبه یافت و دستیابی به چنین امکاناتی در نهایت به سود شهروندان خواهد بود و آزادی و دموکراسی را به ارمغان خواهد آورد. در ادامه به بررسی آرای پنج متفکر برجسته عرصه جامعه اطلاعاتی خواهیم پرداخت. آنان عبارتند از: فرانک وبستر، مانوئل کاستلز^{۱۰}، دانیل بل^{۱۱}، هربرت شیلر^{۱۲}، و آنتونی گیدنز.

فرانک وبستر

فرانک وبستر در تبیین جامعه اطلاعاتی به شیوه تحلیلی پنج تعریف ارائه می‌دهد. این تعاریف عبارتند از: فناوریانه، اقتصادی، شغلی، فضایی (مکانی) و فرهنگی. در تعریف فناوریانه از جامعه اطلاعاتی، وبستر بیان می‌کند که عمومی‌ترین تعریف از جامعه اطلاعاتی بر نوآوری چشمگیر فناوری تأکید می‌کند. تصور کلیدی این است که موفقیت علمی در پردازش، ذخیره و انتقال اطلاعات، کاربرد فناوری‌های اطلاعاتی را تقریباً به تمام گوشه و کنار جامعه گسترش داده است (وبستر، ۱۳۸۴، ص ۱۲). وبستر تعریف فناوریانه از جامعه اطلاعات را بیشتر مورد توجه قراردادده و به نقد آن پرداخته است. او همچنین پارادوکس‌های تعریف مبتنی بر تکنولوژی از جامعه اطلاعاتی را یادآور شده است. مثل اینکه ما به چه مقدار فناوری اطلاعات نیازمندیم تا یک جامعه اطلاعاتی مشخص شود؟ (مدیریان، ۱۳۸۴). همچنین وبستر به پیشرفت‌های مهم در حوزه مخابرات و رایانه اشاره کرده، و ارزیابی تجهیزات رایانه‌ای و قدرت ذخیره‌سازی بالای رایانه‌ها را دلیلی بر گسترش فراگیر آنها ذکر می‌کند. به علاوه، به تشبیه این شبکه گسترده با برق پرداخته و بیان می‌کند، همان‌طور که امروزه همه اداره‌ها و سازمان‌ها و منازل به این انرژی وابستگی کامل دارند، در جامعه اطلاعاتی به رایانه‌ها و شبکه‌های رایانه‌ای نیاز مبرم وجود دارد. وی معتقد است فناوری جدا از قلمرو اجتماعی نیست، و به تعبیر دیگر فناوری‌ها خود تابع ارزش‌های اجتماعی هستند.

وبستر از جنبه اقتصادی توضیح می‌دهد که در اقتصاد یک بخش از مطالعات جدید، به مسائل اقتصاد اطلاعات می‌پردازد. وی یکی از پایه‌گذاران این شاخه از مطالعات را فریتز مک‌کالپ^{۱۳}، نظریه‌پرداز اقتصاد اطلاعاتی، معرفی می‌کند. مک‌کالپ پنج گروه وسیع صنعت را تشخیص داد، که عبارتند از: الف) آموزش و پرورش (مدارس، کتابخانه‌ها و دانشگاه‌ها)؛ ب) رسانه‌های ارتباطی (رادیو، تلویزیون و تبلیغات)؛ ج) ماشین‌های اطلاعاتی (تجهیزات رایانه‌ای و

یک معیار معمول برای پیدایش جامعه اطلاعاتی آن است که بر تغییر شغلی تأکید دارد

زمانی به یک جامعه اطلاعاتی می‌رسیم که برتری از آن مشاغل اطلاعاتی باشد

را به یکدیگر پیوند می‌دهند و در نتیجه آثار شگفت‌انگیزی بر سازمان زمان و مکان دارند. این موضوع که چرا حجم و سرعت بیشتر جریان اطلاعاتی باید ما را وادارد تا به وجود گونه جدیدی از جامعه بیندیشیم، توجه ما را به دل‌مشغولی خاص جغرافی‌دانان به مکان جلب می‌کند. همه چیز در مکان‌های ویژه و زمان‌های خاص رخ می‌دهد، اما ویژگی‌های مکان و زمان با اختراع جامعه شبکه‌ای دگرگون شده است. زمان و مکان به‌مدد فناوری ارتباطات و گسترش شبکه‌های اطلاع‌رسانی منقبض شده‌اند (مدیریان، ۱۳۸۴). وبستر (۱۳۸۴، ص ۳۲-۳۳) معتقد است که دنیای مدرن مستلزم هم‌آرایی توزیع جهانی تولید، برنامه‌ریزی در داخل دولت‌های مستقل و مابین آنها، و بازاریابی در سراسر قاره‌هاست. اطلاعات، محور این فعالیت‌های گوناگون است، بنابراین اهمیت آن در جهان معاصر افزایش می‌یابد. این امر تا بدانجا پیش می‌رود که مدیریت اطلاعات دارای تناسبی استثنایی می‌شود و اینکه به‌عنوان حاصل کار، ما شاهد گسترش سریع حرفه‌های اطلاعاتی می‌شویم.

وبستر درباره نگرش فرهنگی (۱۳۸۴، ص ۳۷) بر این باور است که این مفهوم آخری از جامعه اطلاعاتی، شاید از همه راحت‌تر مورد تأیید باشد، اما از همه کمتر سنجیده و حساب‌شده است. هریک از ما، از روی الگوی زندگی روزانه‌مان، نسبت به افزایش خارق‌العاده اطلاعات در چرخه زندگی اجتماعی آگاهییم و بی‌تردید مقدار عظیمی از اطلاعات، تقریباً بیش از هر زمان دیگری مورد استفاده قرار گرفته است.

با بررسی کوتاهی ملاحظه می‌کنیم که برداشت نهایی از جامعه اطلاعاتی مورد پذیرش قرار گرفته است. هریک از ما با توجه به وضع زندگی روزمره خود متوجه شده‌ایم که از نظر حجم اطلاعات در گردش، افزایش شگفت‌آوری رخ داده است. تعداد کانال‌های رادیو و تلویزیون افزایش یافته و ۲۴ ساعته شده‌اند. ماهواره‌ها با قدرت دریافت هزاران کانال تلویزیون در اغلب خانه‌ها حضور دارند. ویدئو، کامپیوتر و

ابزارهای موسیقی؛ د) خدمات اطلاعاتی (حقوق و بیمه پزشکی)؛ ه) دیگر فعالیت‌های اطلاعاتی (تحقیق و توسعه و فعالیت‌های غیرانتفاعی) (وبستر، ۱۳۸۴، ص ۱۸-۱۹). کار با این نوع از مقولات، این امکان را فراهم می‌آورد که برای هریک از آنها ارزشی اقتصادی قائل شده و به مبحث سهم هریک در تولید ناخالص ملی^{۱۴} وارد شویم. اگر این روند به‌عنوان بخشی از افزایش تولید ناخالص ملی به‌شمار آید، پس شاید بتوان ادعای ظهور اقتصاد اطلاعات را در طول زمان مطرح کرد (مدیریان، ۱۳۸۴).

یک معیار معمول برای پیدایش جامعه اطلاعاتی آن است که بر تغییر شغلی تأکید دارد. به‌طور ساده استدلال این است که ما زمانی به یک جامعه اطلاعاتی می‌رسیم که برتری از آن مشاغل اطلاعاتی^{۱۵} باشد، یعنی جامعه اطلاعاتی وقتی به‌وجود می‌آید که تعداد کارمندان، معلمان، و کیلان و نظایر آنها از تعداد کارگران معادن ذغال سنگ، کارگران صنایع فولاد، کارگران بارانداز و بناها بیشتر شود. بارها تعریف شغلی جامعه اطلاعاتی با یک سنجه اقتصادی ادغام شده است. مثلاً مارک پورات محاسبه کرد که در دهه ۱۹۶۰ قریب نیمی از نیروی کار آمریکا در بخش اطلاعات مشغول بود. رشدی تقریباً ۵۰۰ درصدی در طول یک قرن که طی آن کار کشاورزی تنزل و مشاغل اطلاعاتی به‌طور گسترده توسعه یافت (استونیر،^{۱۶} ۱۹۸۳، نقل در وبستر، ۱۳۸۰). در این بخش وبستر به نظریات پاره‌ای از اندیشمندان مختلف اشاره و آرای آنان را ذکر می‌کند. به‌باور وی طبقه‌بندی مشاغل کار ساده‌ای نیست و ممکن است که در این بخش دچار خطاهایی شویم. وی در همان‌جا به انتقاد از نظریات برخی از پژوهشگران پرداخته و بیان می‌کند که به نمودارهایی که بر اساس نظر پژوهشگران با تکیه بر آنها می‌توان حرفه‌ها را به مناسب‌ترین شکل طبقه‌بندی کرد، می‌بایست مشکوک بود (وبستر، ۱۳۸۴، ص ۲۸).

در تعریف مکانی از جامعه اطلاعاتی، تأکید عمده بر روی شبکه‌های اطلاعاتی‌ای است که مکان‌های جغرافیایی

کتاب
اطلاعات ارتباطات و آموزش عالی

کاستلز درباره اقتصاد جهانی به شبکه‌ای شدن اقتصاد اشاره می‌کند و معتقد است که اقتصاد شبکه‌ای توان بسیار بالایی در سطح جهان ایجاد کرده و سبب دگرگونی در وضع کار و اشتغال شده است

اینترنت درب منازل را کوبیده و وارد اغلب منازل شده‌اند. همه اینها بر این حقیقت گواهی دارد که ما در جامعه‌ای سرشار از رسانه‌ها سکونت داریم (مدیریان، ۱۳۸۴)، همچنین نشان‌دهنده این واقعیت است که ما در جامعه‌ای انباشته از رسانه زندگی می‌کنیم، اما ویژگی‌های اطلاعاتی جهان ما واقعاً مؤثرتر از فهرست کوچکی از رسانه‌های مطرح شده مانند تلویزیون و رادیو است. این نوع فهرست کردن حاکی از آن است که رسانه‌های جدید اطراف ما، پیام‌هایی به ما می‌دهند که ممکن است به آنها پاسخ دهیم یا ندهیم. اما درحقیقت محیط اطلاعاتی بسیار نزدیک‌تر و برای ما بسیار سازنده‌تر از این حرف هاست (وبستر، ۱۳۸۴، ص ۳۸).

در مجموع می‌توان گفت که وبستر در تعاریف خود از جامعه اطلاعاتی به نکات و ظرایف خاصی اشاره می‌کند. وی جنبه‌های گوناگونی را که در عرصه یک جامعه اطلاعاتی ممکن است بر آن تأکید شود، از مسائل پیچیده فنی تا لایه‌های تودرتوی فرهنگی مورد مذاقه قرار می‌دهد. تأکید بر اقتصاد اطلاعات و نقش تعیین‌کننده‌ای که در عرصه حیات اجتماعی نوین ایفا می‌کند، نشان‌دهنده دقت نظر اوست. توجه وبستر به ویژگی مشاغل اطلاعاتی یکی از مؤلفه‌هایی است که در آثار برخی از صاحب‌نظران دیگر نیز چون مانوئل کاستلز مطرح شده است. این ویژگی یکی از خصیصه‌های بارز در تعیین میزان اطلاع‌گرا بودن یک جامعه نوین به‌شمار می‌آید و یک آزمایش مهم برای شناخت جوامع اطلاعاتی محسوب می‌شود.

مانوئل کاستلز

مانوئل کاستلز محقق اسپانیایی تبار آمریکایی یکی از صاحب‌نظران در عرصه جامعه اطلاعاتی است. کاستلز درباره اقتصاد جهانی به شبکه‌ای شدن اقتصاد اشاره می‌کند و معتقد است که اقتصاد شبکه‌ای توان بسیار بالایی در سطح جهان ایجاد کرده و سبب دگرگونی در وضع کار و اشتغال شده است. وی به ظهور نیروی کار جهانی اشاره کرده و به تاثیر

فناوری‌های نوین اطلاعاتی بر فرایند کاری می‌پردازد. از دیدگاه کاستلز در فرایند اشتغال در جامعه شبکه‌ای، کارهای ییدی کاهش یافته و در مقابل مشاغل خدماتی افزایش می‌یابد. وی به نقش جنبش‌های اجتماعی در تغییر وضع اشتغال اشاره و بیان می‌کند که خدمات اجتماعی دومین گروه مشاغل را تشکیل می‌دهد که طبق پژوهش‌هایی که درباره دوران پساصنعتی انجام گرفته است، باید ویژگی جامعه نوین باشد. کاستلز به این نکته نیز اشاره می‌کند که خدمات توزیعی، حمل و نقل و ارتباطات، یعنی فعالیت‌های ارتباطی همه اقتصادهای پیشرفته را با تجارت عمده و خرده، یعنی آن دسته از فعالیت‌های خدماتی که ظاهراً ویژگی جوامع نه‌چندان صنعتی هستند درهم می‌آمیزد (۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۶۲-۲۶۳). صفاری‌پور (۲۰۰۳) بیان می‌کند که کاستلز در کتاب «عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ» در تشریح ظهور جامعه شبکه‌ای به مفهوم اقتصاد اطلاعاتی اشاره کرده و بیان می‌کند که در اقتصاد اطلاعاتی، بهره‌وری و رقابت میان شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری، مناطق و حوزه‌های اقتصادی و کشورها، بیش از هر زمان دیگر به معرفت و دانش، اطلاعات و فناوری لازم برای پردازش این اطلاعات از جمله فناوری مدیریت و مدیریت فناوری تکیه دارد. کاستلز (۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۶۶) درباره ساختار شغلی نوین معتقد است که یکی از گزاره‌های اصلی نظریه‌های پساصنعتی این است که مردم، گذشته از اینکه در فعالیت‌های مختلفی شرکت می‌جویند، در ساختار اشتغال نیز پست‌های جدیدی به‌دست می‌آورند. به‌طور کلی پیش‌بینی می‌شد که هرچه در جامعه اطلاعاتی پیش‌تر رویم، شاهد افزایش اهمیت پست‌های مدیریتی، تخصصی و فنی، کاهش نسبت کارگران پیشه‌ور و عملگر (اپراتور)، و افزایش تعداد کارکنان بخش دفتری و فروش خواهیم بود.

به‌اعتقاد کاستلز^{۱۷} (۲۰۰۵) جهان متحمل یک فرایند تحول ساختاری در جنبه‌های متعدد از جمله فناوری، اقتصادی، فرهنگی و نهادی شده است. وی در این باره با اشاره به نقش مؤثر نظام‌های سرمایه‌داری به تشریح این

جهانی‌شدن و اطلاعاتی شدن، که به دست شبکه‌های ثروت، فناوری و قدرت انجام می‌گیرد، جهان ما را دگرگون می‌سازد

تضعیف اصل توزیع قدرت سیاسی می‌شود که سیاست دموکراتیک بر پایه آن استوار است. ناتوانی رو به رشد دولت در کنترل جریان‌های سرمایه و ایجاد تأمین اجتماعی، اهمیت و موضوعیت دولت را برای شهروندان عادی از میان می‌برد (همان، ص ۳۷۳-۳۷۴). به نظر کاستلز، جوامع مختلف به شیوه‌های متفاوت دست‌خوش تحول می‌شوند و امروزه پردازش اطلاعات است که برآمدن پارادایم فناورانه جدیدی را [که] از شیوه نوینی در تحول خبر می‌دهد، اعلام می‌کند. این شیوه اطلاعاتی تحول پارادایم اجتماعی - فنی نوینی است که ویژگی اصلی آن پیدایش پردازش اطلاعات به‌منزله فعالیت‌های کانونی و بنیادی است که کارآیی و بهره‌وری کل فرآیندهای تولید، توزیع، مصرف و مدیریت را تحت تأثیر قرار می‌دهد (وبستر، ۱۳۸۴، ص ۳۲۷-۳۲۸).

کاستلز (۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۵-۱۸) معتقد است که جامعه شبکه‌ای محصول همگرایی سه فرایند تاریخی مستقل است. این سه فرایند عبارتند از، انقلاب اطلاعات که ظهور جامعه شبکه‌ای را امکان‌پذیر ساخت؛ تجدید ساختار سرمایه‌داری و اقتصاد متکی به برنامه‌ریزی متمرکز از دهه ۱۹۸۰ به این سو با هدف غلبه بر تعارض‌های درونی این دو نظام؛ و نهضت‌های فرهنگی دهه ۱۹۶۰ و دنباله‌های آن در دهه ۱۹۷۰، یعنی نهضت‌ها و جنبش‌هایی مانند فمینیسم و طرفداری از محیط‌زیست. ویژگی‌های اصلی جامعه شبکه‌ای که اینک در آغاز هزاره سوم علایم آن در گوشه و کنار کره زمین به چشم می‌خورد، به‌اجمال عبارت است از: اقتصاد اطلاعاتی^{۱۹}؛ اقتصاد جهانی^{۲۰}؛ فعالیت‌های اقتصادی شبکه‌ای، تحول در نحوه انجام کار و ساختار اشتغال، ظهور قطب‌های متقابل، فرهنگ واقعیت مجازی،^{۲۱} سیاست بر بال رسانه، زمان بی‌زمان و فضای جریان‌ها.

می‌توان بیان کرد که اندیشه‌های کاستلز با تکیه بر ایده اقتصادی شکل می‌گیرد. از دیدگاه کاستلز شبکه توانسته است که ساختار نوینی از اقتصاد و روابط شغلی ایجاد کند. بنابراین اقتصاد جهانی به سوی شبکه‌ای شدن پیش می‌رود و هرچه

دگرگونی می‌پردازد. وی در زمینه تحولات اجتماعی به نقش تعیین‌کننده نظام‌های سرمایه‌داری اشاره و تأثیر فناوری‌ها را در عرصه اجتماعی به‌خوبی بازگو می‌کند. وی به تأثیر ساختار فناوری و ایجاد تحول بنیادی در نهادهای اجتماعی پرداخته و با نگاهی اقتصادی این امور را تحلیل می‌کند. کاستلز با همین نگاه به تحلیل وضع اجتماعی در تحول گسترده‌ای که به جهانی شدن منجر می‌شود، پرداخته، و باز نقش فناوری و قدرت اقتصادی را، به‌مثابه عوامل اساسی، مطرح می‌کند. وی در دگرگونی نظام شهری جدید نیز به این عوامل تکیه کرده است. به گفته مسعودی (۲۰۰۵) کاستلز معتقد است که بازسازی سرمایه‌داری به‌همراه فناوری‌های نوین، به تحول اجتماعی و در نتیجه تحول شهر منجر شده است. این تحول، شهر دو قطبی^{۱۸} را جایگزین شهرهای سنتی می‌کند. به‌باور کاستلز (۱۹۹۸) ما در یک دوران تاریخی متحول زندگی می‌کنیم که مشخصه آن با مقابله دو قطب جهانی‌سازی اقتصاد - فناوری و فرهنگی - اجتماعی مشخص می‌شود.

کاستلز درباره جهانی‌شدن، اطلاعاتی شدن و نهضت‌های اجتماعی می‌گوید: جهانی‌شدن و اطلاعاتی شدن، که به دست شبکه‌های ثروت، فناوری و قدرت انجام می‌گیرد، جهان ما را دگرگون می‌سازد. این دو فرایند، توان تولید، خلاقیت فرهنگی و توانایی ارتباطی ما را تقویت می‌کند. در عین حال، آنها حق انتخاب را از جوامع سلب می‌کنند. از آنجا که نهادهای دولت و سازمان‌های جامعه مدنی بر پایه فرهنگ، تاریخ و جغرافیا استوارند، شتاب گرفتن ناگهانی ضرب‌آهنگ تاریخ، و انتزاعی‌شدن قدرت در شبکه‌ای از رایانه‌ها، سازوکارهای موجود کنترل اجتماعی و بازنمود سیاسی را نابود می‌سازد (کاستلز، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۹۷-۹۸). وی همچنین به مخدوش شدن مرزهای دولت ملی اشاره کرده و آن را سبب مخدوش شدن تعریف شهروندی می‌داند. به اعتقاد وی فقدان مواضع مشخص و آشکار برای قدرت، به سست شدن کنترل اجتماعی و گسترش چالش‌های سیاسی می‌انجامد. پیدایش اجتماع‌گرایی ارادی، در تمام صور گوناگونش، مایه

بل دربارهٔ به وجود آمدن جامعهٔ اطلاعاتی و زمینه‌های تشکیل آن، با اشاره به سرعت تحول در جهان جدید به برخی پیشرفت‌های فناورانه پرداخته و آن را از عوارض تشکیل جامعهٔ اطلاعاتی می‌داند

دانیل بل

می‌گذرد، پیوندهای شبکه‌ای بر پیچیده‌تر شدن ارتباطات اقتصادی می‌افزاید. ساختار مرتبط و تنگاتنگ ارتباطات رسته‌ها و گره‌های موجود در شبکه باعث ایجاد یک فرایند یکپارچه و تأثیرگذار در عرصه‌های مختلف زندگی انسان جدید شده است.

وبستر (۱۳۸۴، ص ۵۳-۵۴) بر این باور است که پروفیسور بل (متولد ۱۹۱۹)، جامعه‌شناس قدیمی و معروف امریکایی، از همان آغاز توجه خود به جامعهٔ پسا صنعتی بر نقش محوری اطلاعات/دانش در پیدایش این نظام اجتماعی تأکید داشت. کتاب فرارسیدن جامعهٔ پسا صنعتی^{۳۳} به نظر می‌رسد که به زیبایی تمام با تحولات انفجار آمیز فناوری‌هایی که در اواخر دههٔ هفتاد جوامع پیشرفته را به لرزه در آورده، هماهنگ شده بود. میرعابدینی (۱۳۸۲) توضیح می‌دهد که دانیل بل عقیده دارد جامعهٔ جدیدی پدیدار شده است. او شناخته شده‌ترین وصف را از جامعهٔ اطلاعاتی با عنوان پسا صنعتی^{۳۴} ارائه داده است. بل در اواخر دههٔ ۱۹۵۰، با انتشار کتاب وزین خود ظهور جامعهٔ پسا صنعتی را بر اساس دوره‌ای سرشار از دگرگونی‌های فن‌شناختی ابداع و دنیای آینده را توصیف کرد، اما طرح او از این جامعه، از نظر تجربی، مبانی نظری و روش شناختی دارای نارسایی است. دانیل بل باور دارد که ایالات متحده، جهان را در مسیری رهبری می‌کند که به نوعی از نظام جدید می‌انجامد و به سمت‌گیری تاریخ چنان اطمینان دارد که می‌گوید: پسا صنعتی جنبهٔ اصلی ساختارهای اجتماعی ایالات متحده، ژاپن، اتحاد جماهیر شوروی سابق و اروپای غربی در سدهٔ بیست و یکم خواهد بود. وبستر (۱۳۸۴، ص ۵۴) معتقد است که پروفیسور بل به دلیل پیشگویی جنجال برانگیز در باره تحولی که فن‌آوری‌های رایانه‌ای در زندگی به وجود می‌آورد، شهرت پیدا کرد. در واقع او قبل از نیاز به گسترش فراگیر این فناوری‌های اطلاعاتی اثر خود را تألیف کرده بود و در آن زمان این فناوری‌ها ظاهراً چشم‌انداز او را تحقق می‌بخشیدند.

پس طبیعتاً او صاحب اعتباری شد و همانند یک مرشد به او نگاه می‌شد.

بل دربارهٔ به وجود آمدن جامعهٔ اطلاعاتی و زمینه‌های تشکیل آن، با اشاره به سرعت تحول در جهان جدید به برخی پیشرفت‌های فناورانه پرداخته و آن را از عوارض تشکیل جامعهٔ اطلاعاتی می‌داند. وی بر سرعت دگرگونی‌های جهان جدید تأکید کرده و آن را تغییری شگرف در زندگی انسان جدید به‌شمار می‌آورد. او با اشاره به ساده‌سازی زندگی در پناه فناوری و سهولت استفاده از ابزارهای نوین به این تحول فراگیر در زندگی جدید جهانی اشاره کرده و می‌گوید (بل، ۱۳۸۳): گفته می‌شود که جامعهٔ اطلاعاتی از راه رسیده است. فناوری‌های جدید یکی پس از دیگری رواج می‌یابند، برای همراهی با سرعت پدیده‌ها ناچارید به یادگیری نظریه‌های جدید و روش‌های نو ادامه دهید. موجی از پی‌موجی دیگر می‌آید و ناگهان چنانکه گویی تحولی غافلگیرمان کرده باشد، خویشتن را در دنیاهای قشنگ و نو می‌بینیم. شماری از مردم حتی چنین استدلال می‌کنند که ما در تلاش برای به کارگیری فناوری‌های نو و سازگاری با آن به تأخیر فرهنگی دچار شده‌ایم.

در همین حال او با نگاهی انتقادی به این پدیده می‌نگرد و به آموختن از تاریخ اشاره می‌کند و با مقایسهٔ زندگی انسان در قرون متوالی و شیوه‌های معیشت و تلاش او در عرصه‌های گوناگون زندگی تلاش می‌کند تا به مخاطب خود بینشی فراتر عرضه کند. وی با بیان اینکه افرادی که در سال‌های بین ۱۸۰۰ تا ۱۹۲۰ به دنیا آمده‌اند، شاهد حوادث بسیار و شیوه‌های زندگی مختلفی بوده و اختراعات و اکتشافات متفاوتی را تجربه کرده‌اند، می‌افزاید: بنابراین امروز پرسش بنیادین تنها این نیست که آیا می‌توانید پا به پای تحولات پیش بروید یا با سرعت کافی بدوید، بلکه این است که به کجا می‌خواهید بروید و چگونه؟ نگرانی ما نباید این باشد که آیا فرهنگ - اصطلاحی که غالباً تعریف ناقصی از آن داده می‌شود - از تحول فناورانه عقب افتاده است یا

دانیل بل متفکری است که به ضرورت دگرگونی جوامع نوین به خوبی آگاهی داشته و بر نقش برجسته و مؤثر اطلاعات در شکل‌گیری دنیای معاصر تأکید می‌ورزد

انتقال امور کیفی کاملاً واضح است، به‌خصوص در افزایش اهمیت چیزی که بل آن را دانش نظری^{۲۴} می‌خواند. در واقع دانیل بل متفکری است که به ضرورت دگرگونی جوامع نوین به خوبی آگاهی داشته و بر نقش برجسته و مؤثر اطلاعات در شکل‌گیری دنیای معاصر تأکید می‌ورزد. از دیدگاه وی تأثیر فناوری‌های جدید با ایجاد تحولی بنیادی در زندگی نوین، به خلق جهانی فراتر از دنیای صنعتی منجر شده است که وی آن را جامعهٔ پسا صنعتی می‌نامد. اطلاعات در کنار فناوری زندگی متفاوتی برای بشر به‌ارمغان آورده است. جامعه‌ای که با سرعت به سوی ایجاد پایه‌های فنی و علمی، برای استیلا بر طبیعت و بهره‌مندی بیشتر به پیش می‌رود. ولی بل فقط به ظواهر نظر نمی‌افکند، و با بینشی عمیق به نقد این جامعه نیز می‌پردازد و به نکات منفی و مشکلات آن نیز به خوبی واقف است. به اعتقاد میرعابدینی (۱۳۸۲) بل، مفهوم جامعهٔ اطلاعاتی را جایگزین پسا صنعتی می‌کند، اما اساس تحلیل خود را تغییر نمی‌دهد. بدین ترتیب، جامعهٔ اطلاعاتی او همانند جامعهٔ فرا صنعتی گرای اوست و بازتابی از نسخهٔ توسعهٔ برون‌زا برای جوامع دیگر به‌شمار می‌آید.

هربرت آی. شیلر

هربرت آی. شیلر (متولد ۱۹۱۹) برجسته‌ترین چهره در میان گروه نظریه‌پردازان نظریهٔ انتقادی^{۲۵} - یعنی آنچه در امریکای شمالی با حسن تعبیر به پژوهش‌های مارکسیست‌مدار اطلاق می‌شود - و مفسر گرایش‌های حوزهٔ اطلاعات است. او روشنفکری برآمده از نیویورک است که به دلیل رکود سال‌های جنگ و تجربهٔ سربازی در اروپای بعد از جنگ دوم رادیکال شد. اگرچه او نسبتاً دیر وارد محیط دانشگاهی شد، با انتشار نخستین کتابش در ۱۹۷۹ و یک دو سالی زودتر، با آغاز تدریس در حوزهٔ اطلاعات تأثیر چشمگیری در درک عصر اطلاعات داشته است. این امر به‌خصوص با شرکت او در کنفرانس‌هایی در سراسر جهان و همچنین با نشر منظم کتاب‌ها و مقاله‌ها شکل گرفت. مهم‌ترین آثار او

خیر. این دیدگاهی گمراه‌کننده نسبت به پرسشی بسیار مهم است. آنچه شخص بدان نیاز دارد، مجموعه‌ای منطقی از داورها و برخی از اصول راهنما برای ارزیابی‌های معقول مزایا و کاستی‌های فناوری‌هایی است که اکنون در ابتدای راه خود قرار دارند. این مسئله، وقتی به چگونگی برخورد با دو حوزهٔ تعیین‌کنندهٔ فناوری امروز - فناوری و زیست‌فناوری - می‌رسیم، دقیقاً مصداق پیدا می‌کند (بل، ۱۳۸۳).

در ادامه وی به حرکت متعادل و اندیشمندانهٔ انسان برای موفقیت در این عرصه اشاره می‌کند و با آوردن مثالی در این زمینه پیشرفت‌های شگرف را توضیح داده و بیان می‌کند: زیست‌فناوری نمونهٔ مهم دیگری است از فناوری که در آن به معیارهای بهتری، یعنی مجموعهٔ معقولی از داورها برای روزگار آینده نیاز داریم. با پتانسیل جدید مهندسی ژنتیک برای شبیه‌سازی، برای دستکاری در ساختارهای ژنتیک و برای درمان احتمالی بیماری‌های انسانی در مرحلهٔ جنینی، زیست‌فناوری آشکارا پیامدهای پزشکی و اخلاقی گسترده‌ای خواهد داشت. در اینجا به این نکته بسنده می‌کنیم که وقتی دربارهٔ چنین مسائل محوری مهمی برای آیندهٔ بشر بحث می‌کنیم، پیداست که صرف سریع‌تر دیدن فایده‌ای ندارد، بلکه نگاه آرام، متعادل و فراگیر به رابطهٔ میان فناوری و پدیده‌های نوظهور در زندگی جامعهٔ مدرن ضروری است (بل، ۱۳۸۳). تحلیل بل در واقع شناخت مناسبی از فضای جامعهٔ اطلاعاتی ارائه می‌دهد. وی با تأکید بر آنکه جامعهٔ پسا صنعتی یک دورهٔ مهم در زندگی انسان است، به نقش برجستهٔ اطلاعات در این میان اشاره کرده و افزایش اطلاعات در این جامعه خاص را گوشزد می‌کند. وی همچنین به ارزش و اهمیت اطلاعات در جامعهٔ اطلاعاتی اشاره و بیان می‌کند که اطلاعات نقشی حیاتی در آن دارد. این اهمیت از دیدگاه وی هم از لحاظ کمی و نیز از جنبهٔ کیفی مطرح می‌باشد. در این باره وبستر (۱۳۸۴، ص ۵۵) توضیح می‌دهد که سخن بل حاکی از آن است که از سویی ویژگی‌های پسا صنعتی به افزایش حجم اطلاعات مورد استفاده منجر می‌شود و از سویی دیگر در جامعهٔ پسا صنعتی

سومین مبحث کلیدی هربرت شیلر این است که جامعه‌ای که در حال تغییرات مهم در زمینه‌های اطلاعات و ارتباطات است، جامعه‌ای با نظام سرمایه‌داری شرکتی محسوب می‌شود

عبارتند از: چه کسی می‌داند؟ (۱۹۸۱)،^{۲۶} اطلاعات و اقتصاد بحران (۱۹۸۴)،^{۲۷} و یکسان‌سازی فرهنگ (۱۹۸۹) (وبستر، ۱۳۸۴، ص ۱۳۰-۱۳۱).

شیلر در واقع یک اقتصاددان است که روی اقتصاد سیاسی متمرکز شده است و تحلیل‌ها و نگاهش ریشه‌های مارکسیستی دارد. او تأکید می‌کند که ما در عصری زندگی می‌کنیم که در آن تولید و پخش اطلاعات با هر معیاری که در نظر گرفته شود، در کل سیستم به فعالیت‌های ضروری و اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. وی همچنین معتقد است که اطلاعات و ارتباطات، عناصر بنیادی مربوط به فعالیت معمول و مورد قبول سرمایه‌داری است. شیلر توجه خود را نخست به بحث ارتباط معیارهای تجاری با پیشرفت‌های اطلاعاتی معطوف می‌دارد (مدیریان، ۱۳۸۴). آنگاه به نقش فاصله‌های موجود در جامعه در ساختار طبقاتی اشاره کرده و از مشکلات اقشار مختلف جامعه در دسترسی به اطلاعات برای استفاده مفید از آن سخن به میان می‌آورد. از نگاه او صرف اطلاعاتی بودن یک جامعه دلیلی بر دسترسی شهروندان به اطلاعات مناسب و به‌موقع نیست. همین امر باعث تفاوت‌ها و ایجاد نوعی عدم توازن در ساختارهای اجتماعی می‌شود. بر همین اساس قطب‌های عمده‌ای در جوامع سرمایه‌داری ایجاد شده که نبض اطلاعات و فرایند تاثیرگذاری آن را به‌دست می‌گیرند.

او سپس عامل نابرابری‌های طبقاتی را مورد توجه قرار می‌دهد. پافشاری او بر این است که نابرابری‌های طبقاتی عامل عمده پخش، دسترسی و قابلیت‌های تولید اطلاعات است. به تعبیر ساده طبقه تعیین‌کننده این است که چه کسی، چه اطلاعاتی را به‌دست می‌آورد و چه نوع اطلاعاتی را می‌تواند به‌دست آورد. بنابراین بسته به جایگاه فرد در سلسله‌مراتب طبقاتی، فرد ممکن است در انقلاب اطلاعاتی برنده یا بازنده باشد.

سومین مبحث کلیدی هربرت شیلر این است که جامعه‌ای که در حال تغییرات مهم در زمینه‌های اطلاعات

و ارتباطات است، جامعه‌ای با نظام سرمایه‌داری شرکتی محسوب می‌شود، یعنی سرمایه‌داری معاصر از طریق نهادهای شرکتی حاکمیت یافته و عمدتاً بر تولید محصولات توسط چند شرکت محدود و سازمان‌هایی که عمدتاً دارای ثروت‌های کلان ملی و بین‌المللی می‌باشند، استوار شده است (همان). از نگاه شیلر تفوق اطلاعاتی در جهان جدید امری مسلم است. اطلاعات در فضایی کاملاً یک‌سویه به نفع کشورهای قدرتمند در جریان است. اطلاعات تولیدشده در انواع شکل‌ها و قالب‌های^{۲۹} متفاوت، سلطه و اقتدار حکومت‌های قوی در جهان را به همراه دارد. نفوذ روزافزون اطلاعاتی کشورهای قدرتمند در سرتاسر جهان نبض جریان اطلاعات را در دست دارد. اطلاعات عنصری ضروری و حیاتی برای بقا به‌شمار می‌آید و هر چقدر نفوذ و تسلط بر آن بیشتر باشد، قدرت افزون‌تری حاصل خواهد شد. رسانه یک ابزار مهم در ساختار قدرت به‌شمار می‌آید و بنابراین حضور آن در عرصه جهانی هر روز پررنگ‌تر می‌شود. وی در همین رابطه به نقش اثربخش صنایع فرهنگی اشاره می‌کند. براون (۲۰۰۲) توضیح می‌دهد که براساس تعریف شیلر، صنایع فرهنگی شامل نشر، چاپ، فیلم، رادیو، تلویزیون، عکاسی، نگارش و ضبط، تبلیغات، ورزش، و صنعت اطلاعات می‌شود. وبستر (۱۳۸۴، ص ۱۴۰) نیز معتقد است که موضع شیلر با این فرض قابل بررسی است که زیرساخت فعالیت‌های رسانه‌ای، شامل روابط نابرابری است که جمعیت جهان را به دو قطب تقسیم می‌کند. او تأکید می‌کند که به‌مبارزه‌طلبیدن امپریالیسم اطلاعاتی شرط لازم اعلام همدردی با مبارزه ملل فقیر برای بهبود وضعیتشان است. محیط اطلاعاتی جهان به‌طور چشمگیری از ملل غرب، به‌خصوص آمریکا، تغذیه می‌شود. انتشار اخبار، سینما، موسیقی، آموزش و پرورش و انتشار کتاب، مسیری یک‌طرفه از سوی آمریکا به طرف دیگر کشورها است.

وی همچنین درباره نفوذ گسترده توان اطلاعاتی کشورهای قدرتمند، از ایجاد ساختار متعادل در جریان اطلاعات حمایت می‌کند. بدین معنا که نوعی مشارکت

**مدیران اشاره می‌کند
که شیلر از چالش با
امپریالیسم فرهنگی
حمایت می‌کند و همه
نیروها را به ایجاد یک
نظم نوین اطلاعاتی در
جهان فرامی‌خواند**

می‌کنند. به عبارت دیگر، کسانی که اصرار دارند جامعه اطلاعاتی شده^{۳۲} به صورت بنیادی نسبت به گذشته تفاوتی ندارد، در زمینه‌های تمایز کیفی اطلاعات تلاش می‌کنند (میرعابدینی، ۱۳۸۲). هربرت شیلر متفکری است که به خوبی به نقش اطلاعات و فناوری‌های وابسته به آن پرداخته است. وی تصویری واقعی از جهان دگرگون شده ارائه می‌دهد، و به تأثیر اطلاعات در تحولات متعدد جامعه اطلاعاتی می‌پردازد. وی در بیان اندیشه‌های خود توجه زیادی به نقش و تأثیر معیارهای بازار و سرمایه‌داری شرکتی داشته است. او همچنین به نابرابری‌های موجود در جامعه اشاره و تأکید می‌کند که ساختارهای اجتماعی در جامعه اطلاعاتی این تبعیض‌ها را مرتفع نمی‌سازد. وی مشخص می‌سازد که این نابرابری‌ها در سطح ملی و محلی تعیین می‌کند که اطلاعات چگونه، در چه وضعی و به سود چه کسانی تولید شود.

آنتونی گیدنز

به اعتقاد فرانک وبستر (۱۳۸۴، ص ۹۱-۹۳) قبل از بحث مستقیم درباره آرا و اندیشه‌های گیدنز، تعیین یک نکته بسیار ضروری است و این مقدمه‌ای است بر تمام آنچه درباره اندیشه‌های وی ارائه می‌شود. این نکته عبارت است از اینکه جهانی که در آن به سر می‌بریم، بیش از هر زمان دیگری، سازمان یافته شده است؛ نهادها با شیوه‌هایی بی‌سابقه، زندگی روزمره ما را برنامه‌ریزی و تنظیم می‌کنند. وبستر همچنین درباره شخصیت او توضیح می‌دهد که گیدنز متولد ۱۹۳۸، بدون بحث و گفت‌وگویی، مهم‌ترین نظریه پرداز علوم اجتماعی در بریتانیای پس از جنگ است، که در صف مقدم تدوین نوعی جامعه‌شناسی بسیار عالی ذاتی قرار گرفته است. هدف گیدنز، هم در پی افکندن طرحی دوباره در نظریه اجتماعی است و هم بررسی دوباره درک و فهم ما از تحولات و مسیر مدرنیته. آنتونی گیدنز مطالب چندانی درباره جامعه اطلاعاتی ننوشته است. بحث درباره مرتبه این مفهوم ویژه، مسئله او نیست، به خصوص اینکه او یقیناً نسبت به این نظر،

در سطح جهانی برای حضور در این عرصه وجود داشته باشد. فعالیت‌های او در سطح جهانی مورد توجه قرار گرفته و جای تأمل بسیار دارد. عنوان کتاب او، وسایل ارتباط جمعی و امپراتوری امریکا^{۳۳}، به خوبی نشان‌دهنده شیوه اندیشه او در زمینه تسلط قدرت اطلاعاتی حاکم بر جهان است. مدیران (۱۳۸۴) نیز اشاره می‌کند که شیلر از چالش با امپریالیسم فرهنگی^{۳۱} حمایت می‌کند و همه نیروها را به ایجاد یک نظم نوین اطلاعاتی در جهان فرامی‌خواند و از این رهگذر تأثیر چشمگیری در یونسکو برجای می‌گذارد. همچنین وبستر (۱۳۸۴، ص ۱۴۱-۱۴۲) معتقد است که شیلر بر آن است که محیط اطلاعاتی معاصر، بیانگر منافع و اولویت‌های سرمایه‌داری شرکتی و جزء ضروری پایداری اقتصاد سرمایه‌داری جهان‌گرا^{۳۴} است. هرچند بیش از اینها در رهیافت مارکسی اطلاعات این مطلب وجود دارد.

شیلر همچنین به نقش اطلاعات در ساختارهای اقتصادی جامعه و قدرت کسب درآمد اشاره و بیان می‌کند که خدمات اطلاعاتی مخاطبان عام کمی دارد. بیشتر کسانی که با بانک‌های اطلاعاتی در ارتباط هستند و به کسب اطلاعات می‌پردازند، باید توان پرداخت هزینه قابل توجه دسترسی به این ابزارهای اطلاعاتی را داشته باشند که البته بهای زیادی را نیز باید بپردازند. به علاوه کسانی که از این اطلاعات بهره می‌برند، در برخی از زمینه‌های اقتصادی چون بازار اوراق بهادار و بورس، کالاها و نیز ارز می‌توانند به اطلاعات سودمند دست یابند. البته این بستگی دارد که تا چه میزان بتوان پول بیشتری از بازار بورس به دست آورد. در کنار این مقوله توجه به نقش اطلاعات از منظر کاربرد و هدفی که در استفاده از آن وجود دارد، نیز مورد توجه قرار گرفته است.

پژوهشگرانی مانند هربرت شیلر و دیوید هاروی^{۳۵} که بر پیوستگی حال با گذشته تأکید دارند، در عین حال که نقش مرکزی فزاینده ایفا شده توسط اطلاعات را بازشناسی می‌کنند، در مهم‌ترین بخش تفکر خود به تمایز میان مقوله اطلاعات و مقاصدی که این اطلاعات دربردارند، تأکید

گیدنز نشان می‌دهد که زندگی مدرن، پیوسته تحت تأثیر نظام‌هایی است که دانش متخصصان را در خود وارد کرده‌اند

مبنی بر پیدایش نوع جدیدی از جامعه، تردید دارد. درواقع، او به‌صراحت اعلام کرده که گرچه تصور همگان بر آن است که اینک در پایان قرن بیستم، در حال ورود به دوران اطلاعات هستیم، جوامع مدرن از آغاز پیدایش خود، جوامع اطلاعاتی بوده‌اند.

آرزوی گیدنز قالب‌بندی دوباره نظریه اجتماعی و هم‌بازسنجی درک ما از توسعه و مسیر مدرنیته است. گیدنز با صراحت کامل بیان می‌کند که: عموماً مطرح می‌شود که ما اکنون در اواخر سده بیستم به عصر اطلاعات گام می‌نهیم، اما جوامع نوین از آغاز ظهورشان جوامع اطلاعاتی بوده‌اند. او با این اظهارنظر به ما نشان می‌دهد که بالارفتن اهمیت اطلاعات ریشه‌های تاریخی ژرفی دارد. آن اندازه ژرف که ما را متقاعد می‌کند که امروزه اطلاعات، در دوره‌ای که او، آن را مدرنیته در سطح عالی^{۳۵} می‌نامد، دارای اهمیت ویژه‌ای است (مدیریان، ۱۳۸۴).

گیدنز (۱۳۸۳، ص ۴۳-۴۵) نشان می‌دهد که زندگی مدرن، پیوسته تحت تأثیر نظام‌هایی است که دانش متخصصان را در خود وارد کرده‌اند. او راندن اتومبیل و مسافرت با هواپیما را مثال می‌زند که در آنها تخصص‌های مربوط به خودروسازی و صنعت هوایی زیربنای این فعالیت‌های بدیهی محسوب شده‌اند؛ اما فهرست نظام‌های تخصصی مؤثر بر زندگی ما را می‌توان به‌صورت تقریباً نامحدودی گسترش داد. این تعمیم و جهانی‌شدن نظام‌های تخصصی، زندگی روزانه را تحت تأثیر معرفت فنی و حرفه‌ای قرار داده است. به‌اعتقاد میرعابدینی (۱۳۸۲) آنتونی گیدنز به‌جا یادآوری می‌کند که همه جوامع وقتی به‌شکل دولت - ملت درمی‌آیند، به جامعه اطلاعاتی تبدیل می‌شوند، به‌نحوی که گردآوری، نگهداری و کنترل روزمره اطلاعات درباره جمعیت و منابع، برای عملیات اجتماعی آنها ضرورت می‌یابد. گیدنز (۱۳۸۳، ص ۴۲۴) خود درباره دنیای نوین و زندگی کنونی بیان می‌کند که در اوضاع و احوال مدرنیته پیشرفته، عوامل گوناگونی به‌طور مستقیم بر رابطه میان هویت شخصی و نهادهای مدرن تأثیر می‌گذارند.

مدرنیته پویایی جوهری وارد امور بشری می‌کند که با تغییر در سازوکارهای اعتماد و محیط‌های خطرناک همراه است. گیدنز افزایش اهمیت اطلاعات را دارای ریشه‌های عمیق تاریخی و دوره کنونی را مدرنیته در سطح عالی می‌داند^{۳۶}، اما تغییر اساسی دوران را، همانند بل، نمی‌پذیرد. نگرانی و هدف اصلی او، همانند نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی کلاسیک، به‌ویژه کارل مارکس، امیل دورکیم و ماکس وبر، درک مجموعه‌ای از تغییرات است که ظهور مدرنیته نامیده می‌شود. گیدنز، نیروهای شناخته‌شده و موثر بر عقاید صنعت‌گرایی دورکیم و عقلایی‌سازی وبر را در بیان مدرنیته ناکافی می‌داند و عوامل دیگری را در پیدایش جهان نو سهیم می‌داند که نادیده یا کم‌اهمیت انگاشته شده‌اند. او برای اشاره به این عوامل به‌ویژه به دو جنبه مهم وابسته به مدرنیته اشاره می‌کند که یکی اهمیت نظارت گسترده در پیدایش مدرنیته و دیگری تأثیر خشونت، جنگ و دولت - ملت در توسعه دنیای معاصر است. این کوشش گیدنز چشم‌اندازی از ریشه‌ها، اهمیت و توسعه اطلاعات را فراهم می‌سازد (میرعابدینی، ۱۳۸۲).

از سوی دیگر گیدنز با تحلیل وضع جهانی از بُعد جهانی‌سازی، بیان می‌کند که جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جهانی‌سازی دست‌کم گرفته شده است (این‌سایت^{۳۷}، ۲۰۰۲). وی در این ارتباط با مطرح‌ساختن شرایط مدرنیته به تبیین وضع کنونی جهان می‌پردازد. مطالعه و غور گیدنز در عرصه مدرنیته، باعث شده است تا وی با ابعاد گسترده‌تری از تجدد و تشخص در جامعه روبه‌رو باشد. گیدنز با نگاهی جامعه‌شناسانه به تبیین مبانی مدرنیته و اثرات آن در جامعه می‌پردازد. وی مدرنیته را پدیده‌ای ذاتاً جهانی می‌داند که بیان می‌کند که آن را در درون نهادهای مدرن موجود در جوامع می‌توان آشکارا مشاهده کرد. او با توجه به مفهوم جهانی‌شدن، آن را به‌عنوان تشدید روابط اجتماعی مطرح می‌کند. این روابط همان‌هایی هستند که موقعیت‌های مکانی دور از هم را به یکدیگر پیوند داده و هر رویدادی در نقطه‌ای از جهان در پیوند با رویدادهای دیگر در فاصله‌های دور قرار دارد. جامعه

تکیه بر واقعیت‌ها در آرای شیلر، بیش از امکانات فناورانه یا تصور رویدادهای آینده در تحلیل اطلاعات و فناوری‌های آن مؤثر بوده است

همچنین ابهام موجود در مفهوم دانش نظری که از سوی بل به کار برده شده، سبب ایجاد تردیدهای جدی درباره نبودن و اعتبار این ایده شده است. علاوه بر آن وبستر نیز در نقد اندیشه بل معتقد است که به‌رغم شتاب سریعی که در عرصه تحول اجتماعی صورت پذیرفته است، ولی نمی‌توان این دگرگونی را با واژگان پسا صنعتی دانیل بل تفسیر کرد.

اندیشه‌های مانوئل کاستلز را می‌توان روشن‌گرانه خواند، ولی نباید از یاد برد که وی گرایش به سوی تفکر محافظه‌گرانه دارد. در کنار آن باید اشاره کرد که تکیه کاستلز بر اندیشه مارکسی سبب ارائه تفسیری مبتنی بر این اندیشه شده، چنانکه درباره شهر اطلاعاتی که کاستلز به آن می‌پردازد، می‌توان مصداق چنین شهری را در چارچوب تفکر مارکسیستی مشاهده کرد. این نکته‌ای است که قابل بحث بیشتر است. از سوی دیگر کاستلز با بیان برخی از آرمان‌های خود تلاش می‌کند تا چهره‌ای مطلوب به اندیشه خویش دهد. کاستلز در آثار خود به جامعه شبکه‌ای پرداخته است و این ایده در نهایت به اقتصاد اطلاعاتی ختم می‌شود و تأثیر مهم آن در عرصه فعالیت‌های ارتباطی در حوزه اقتصادی، به‌خوبی قابل مشاهده است. کاستلز با توضیح مفصل خود درباره جنبه‌های اقتصادی اطلاعات توانسته است تحلیل مناسبی از وضع جامعه اطلاعاتی ارائه دهد.

اندیشه‌ها و آثار شیلر با تکیه بر دنیای واقعی نقش و اهمیت اطلاعات را تبیین می‌سازد. تکیه بر واقعیت‌ها در آرای شیلر، بیش از امکانات فناورانه یا تصور رویدادهای آینده در تحلیل اطلاعات و فناوری‌های آن مؤثر بوده است. شیلر اندیشمندی برجسته و مطرح در میان متفکران حوزه انتقادی است. همچنان که می‌دانیم او اقتصاددانی است که در حوزه مطالعاتی اقتصاد سیاسی کار کرده و تحلیل‌های او ریشه‌های مارکسیستی دارد، و معتقد است که اطلاعات و ارتباطات عناصر بنیادی تلاش معمول و مورد قبول سرمایه‌داری است. شیلر عامل نابرابری‌های طبقاتی را مورد توجه قرار می‌دهد. پافشاری او بر این است که نابرابری‌های طبقاتی عامل

اطلاعاتی از نگاه او جامعه‌ای است که نظارت زیادی بر تمام روابط موجود دارد. اطلاعات به‌عنوان رکن اساسی در کنترل جامعه به‌دست ناظران قدرتمند حکومتی است. این جامعه توان گردآوری و پردازش تمام اطلاعات مورد نیاز در هدایت کشور را دارد و می‌تواند با آن به سیاست‌گذاری‌های کلان پرداخته و به راهبری تمام عملیات‌های اجتماعی بپردازد.

نتیجه‌گیری

در تحلیل و بررسی اندیشمندان جامعه اطلاعاتی باید گفت که نگاه وبستر به جامعه اطلاعاتی با نگرشی عمیق همراه است. وی با مطالعه و بررسی ویژگی‌های جوامع پیشرفته و مسیر حرکت تحولات آنها به‌خوبی به بیان جامعه نوین جهانی می‌پردازد. از جمله نکات مهمی که در ارزیابی اندیشه وبستر ملاحظه می‌کنیم، توجه او به نقش مهم رسانه در شکل‌گیری و صورت‌بندی زندگی جدید بشر است. او با ارائه جلوه‌ای نوین از وضع رسانه به شرایط خاص زندگی در دوران معاصر اشاره کرده و اثر آن را در عرصه فرهنگی تحلیل می‌کند. علاوه بر آن وبستر با بیان مصادیق فنی و تأثیر آنها در زندگی بشر منظری جدید در مقابل ما برجای می‌نهد.

از سوی دیگر اندیشه دانیل بل درباره مفهوم جامعه اطلاعاتی که سال‌ها پس از مطرح‌ساختن ایده جامعه پسا صنعتی مطرح می‌شود، شامل تغییر مهمی در تحلیل او نیست. بل متفکری برجسته در حوزه جامعه اطلاعاتی است و تلاش بعدی او برای تبیین وضع جامعه اطلاعاتی - به‌تعبیر فرانک وبستر - در واقع توضیح ساختاری همان جامعه پسا صنعتی است که وی پیشتر درباره آن به اظهار نظر پرداخته است. از منظر دانیل بل همچنان که فناوری نقش بسزایی در شکل‌گیری جهان جدید به‌عهده دارد، ولی باید گفت که هدف اصلی رسیدن به جایگاه شایسته انسانی است. گرچه سرعت تحول یکی از عوامل اصلی در تبیین وضع جامعه اطلاعاتی است، ولی مهم‌تر از آن، مقصدی است که آدمی می‌خواهد به آن برسد، و در کنار آن چگونگی پیمودن این راه.

عمده بخش، دسترسی و توانایی‌های تولید اطلاعات است. بر این اساس شیلر از منظری اجتماعی به نقش مهم جامعه اطلاعاتی در زندگی بشر معاصر پرداخته است و تلاش می‌کند تا چهره‌ای خاص خود از این جامعه ارائه دهد.

از سوی دیگر آنتونی گیدنز به مفهوم جامعه نظارتی و به‌طور ویژه، جامعه انضباطی می‌پردازد. در اندیشه گیدنز ساختار مفهوم قدرت مورد توجه قرار گرفته و از این منظر او تلاش می‌کند تا قدرت را به مفهوم نظارت و اعمال اقتدار بر دیگران بررسی کند. باید اظهار کرد که این یکی از ارکان مهم اندیشه گیدنز است. گیدنز به مفهوم تأثیرگذاری در جامعه اطلاعاتی پرداخته و بر نقش آن در ساختار این جامعه تکیه می‌کند. علاوه بر آن، گیدنز خطرهای نظارت را نیز مورد توجه قرار می‌دهد و آن را بیشتر تبیین کرده و بسط می‌دهد. او درباره جهانی‌سازی دارای تفکر عمیقی است و نقش این عامل را در شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی خاطر نشان می‌کند. در کنار آن گیدنز تلاش می‌کند تا مدرنیته را در جایگاهی مهم و از نگاه جامعه‌شناسانه تحلیل کند.

پی‌نوشت‌ها:

1. fardoroudi@yahoo.com
2. Information society
3. Frank Webster
4. Antony Giddens
5. Digital gap
6. Electronic Democracy
7. Tele Democracy
8. Cyber Democracy
9. Robert Wright
10. Manuel Castells
11. Daniel Bell
12. Herbert I. Schiller
13. Fritz Machlup
14. Gross National Product (GNP)
15. Information Work
16. Stonier
17. Castells
18. Dual City
19. Information economy
20. Global economy
21. Culture of virtual reality
22. The coming of post-industrial society, 1973
23. Post industrialism
24. Theoretical Knowledge

اختلاف جوامع پیشرفته و در حال توسعه در مدیریت اطلاعات سبب ایجاد شکاف عمیقی در استفاده از این عنصر حیاتی شده است

اندیشه‌های مطرح‌شده در حوزه جامعه اطلاعاتی از سوی متفکران، با عنایت به تخصص و نگرش آنها حاکی از وجود ابعاد متنوع در بررسی این زمینه مطالعاتی است. در بررسی نظریه‌های ارائه‌شده در این مقاله می‌توانیم به نقش کلیدی اطلاعات در منظر متفکران و اندیشمندان این حوزه پی‌ببریم. دسترسی به اطلاعات در زمان مناسب و به‌هنگام نیاز، استفاده از اطلاعات در تمام عرصه‌های حیات جمعی، از برنامه‌ریزی‌های اجتماعی گرفته تا اجرای امور متعدد در یک جامعه پیشرفته، در گرو دستیابی به‌هنگام به اطلاعات مناسب است. به‌علاوه گردآوری و سازماندهی مطلوب اطلاعات، شرط در دسترس بودن اطلاعات می‌باشد. اختلاف جوامع پیشرفته و در حال توسعه در مدیریت اطلاعات سبب ایجاد شکاف عمیقی در استفاده از این عنصر حیاتی شده است. نقش فناوری اطلاعاتی و ارتباطی در توسعه جوامع نوین غیرقابل انکار است. شاید بتوان ادعا کرد که شناخته‌شده‌ترین عامل در تبیین موقعیت یک جامعه اطلاعاتی، جایگاه ویژه فناوری است. اندیشمندان برجسته در این حوزه عمدتاً با نگاهی انتقادی به وضع جامعه اطلاعاتی می‌نگرند. آنان در پس چهره موجه و دوست‌داشتنی این جامعه پیشرفته به برخی از زمینه‌های نابرابری و سلطه و نیز شکاف عمیق اطلاعاتی در دنیای مدرن اشاره کرده و حتی به جنبه‌های موقعیت‌های نامتوازن در خود کشورهای پیشرفته در دسترسی و بهره‌مندی

- html [Accessed 24 Apr. 2006]
۸. میرعابدینی، احمد (۱۳۸۲). «بازتاب نظریه‌های توسعه در نظریه‌های جامعه اطلاعاتی با نگاهی به برنامه سوم توسعه ایران»، سایت ایران و جامعه اطلاعاتی. قابل دسترس در: <http://iranwsi.org/Default.asp?C=IRAR&R=&I=33#BN33> [Accessed 24 Apr. 2006]
۹. وبستر، فرانک (۱۳۸۴). نظریه‌های جامعه اطلاعاتی، ترجمه: مهدی داودی، تهران: وزارت امور خارجه.
۱۰. وبستر، فرانک (۱۳۸۰). «اطلاعات و اندیشه‌های جامعه اطلاعاتی: جامعه مبتنی بر اطلاعات»، ترجمه: بهزاد دوران و گودرز میرزایی، نما، مجله الکترونیکی مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، دوره ۱، ش ۲. قابل دسترس در: http://www.irandoc.ac.ir/Data/E_J/vol1/inf-soci.htm [Accessed 24 Apr. 2006]
11. Brown, K. (2002). A Review of Culture, Inc, by Herbert I. Schiller. Available: http://www.infoamerica.org/documentos_pdf/schiller01.pdf [Accessed 6 Mar. 2007].
12. Castells, Manuel (2005). Global Governance and Global Politics. Political Science & Politics, January. Available: <http://www.apsanet.org/imgtest/2005Global-Castellas.pdf> [Accessed 6 Mar. 2007].
13. Castells, Manuel (1998). The Education of City Planners in the Information Age, Berkeley Planning Journal 12 (1998): 25-31. Available: <http://www-dcrp.ced.berkeley.edu/bpj/pdf/bid11204.pdf> [Accessed 6 Mar. 2007].
14. In sight (2002). Anthony Giddens –World Renowned Social Thinker –Gives Zellerbach Distinguished Lecture. School of social welfare, University of California, Berkeley, issue 7. Available: http://socialwelfare.berkeley.edu/insight/InsightSpring2002v_3.pdf [Accessed 6 Mar. 2007].
15. Stonier, Tom (1983) The Wealth of Information: A profile of the post—Industrial. London: Thames Methuen.
25. Critical theorists
26. Who Knows?, 1981
27. Information and the economy, 1984
28. Culture Inc., 1989
29. Format
30. Mass communications and American empire, 1969
31. Information Imperialism
32. International capitalist economy
33. david harvey
34. Informationalized Society
35. high modernity
36. High modernity
37. In sight
- مأخذ:**
۱. بل، دانیل (۱۳۸۳). «سرعت تحول»، ترجمه: احد علیقلیان، سایت باشگاه اندیشه. قابل دسترس در: <http://www.bashgah.net/modules.php?name=News&file=article&sid=6184> [Accessed 24 Apr. 2006]
۲. فیدر، جان (۱۳۸۰). **جامعه اطلاعاتی**، ترجمه: علی نوباوه و عباس گیلوری، تهران: نشر کتابدار.
۳. صفارپور، محمدرضا (۲۰۰۳). «ایران و اقتصاد شبکه‌ای»، سایت آینده‌نگر. قابل دسترس در: http://www.ayandehnegar.org/ef_1.php?news_id=1502 [Accessed 24 Apr. 2006]
۴. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). **عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ** (پایان هزاره)، ترجمه: احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). **چکیده آثار آنتونی گیدنز**، ویراستار: فیلیپ کسل، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: ققنوس.
۶. مدیریان، حجت‌الله (۱۳۸۴). «مبانی نظری جامعه اطلاعاتی»، سایت شرکت مخابرات ایران. قابل دسترس در: <http://www.irantelecom.ir/default.asp?sm=86&page=128&code=16> [Accessed 24 Apr. 2006]
۷. مسعودی، امید (۲۰۰۵). «روابط عمومی الکترونی در جامعه اطلاعاتی: تهدیدها و فرصت‌ها». پایگاه تخصصی روابط عمومی الکترونیک. قابل دسترس در: <http://www.eprsoft.com/articles/archives/006407>.